

فرماندهی معظم کل قوا: «توجه به روحیه و انگیزه کارکنان بسیار مهم و ضروری است. انگیزه و روحیه در کنار آموزش، سازماندهی، ترتیب، نظم و امکانات، دو بال اساسی برای یک نیروی مسلح است.» (۸۳/۱۲/۱۹)

بررسی تغییر و تحولات فضای سایبر و شناسایی جهت گیری آینده آن:

شکل گیری فضای شناخت

قاسم فولادی^۱، علیرضا صابرفرد^۲ و وحید فتوح آبادی^۳

تاریخ پذیرش: ۹۶/۹/۱

تاریخ دریافت: ۹۶/۷/۲۲

چکیده

امروزه شاهد روند گسترش بی سابقه و شتابان فضای سایبر و فضای ارتباطات و اطلاعات هستیم؛ بررسی این روند از آن جهت اهمیت دارد که جوامع بشری و زندگی انسان‌ها را به شکلی فزاینده تحت تأثیر شدید خود (مثبت یا منفی) قرار داده و در صورت عدم توجه به تغییر و تحولاتی که در آن رخ می‌دهد، ما را غافلگیر خواهد کرد. این تحقیق به دنبال بررسی تغییر و تحولات فضای سایبر و شکل‌گیری فضای جدیدی به نام فضای شناخت به روش اکتشافی و تحلیل مضمون نظریه‌های متفکران غربی و همچنین اسناد و گزارش‌های دفاعی و غیردفاعی آمریکا بوده است. برای این منظور، نتایج حاصل از مطالعات کتابخانه‌ای در قالب یک پرسشنامه به ۵۰ نفر از خبرگان و صاحب‌نظران ارائه گردید. تحلیل پاسخ‌ها نشان داده که یک فضای جهانی خاص در حال شکل‌گیری است که مردم جهان ایده‌ها و اندیشه‌های خود را به اشتراک می‌گذارند و به نظر می‌رسد فضای سایبر که خود در حال تبدیل شدن به فضایی با محتوایی از جنس اندیشه و شناخت می‌باشد، بستری است برای ایجاد این فضای جهانی. البته در اینکه تمام مردم جهان در این فضا به یک شناخت و معرفت مشترک برسند تردید وجود دارد، اما به نظر می‌رسد درباره این واقعیت که فضای یادشده به صحنه‌ای برای نبرد ایده‌ها و روایت‌ها تبدیل گردیده و ادراک و شناخت مردم سوژه و قلمرو اصلی جنگ‌های امروز و آینده خواهد بود، توافق خوبی وجود دارد. به بیان ساده، به نظر می‌رسد رقابت جهانی امروز و آینده بر سر تسلط بر این فضای شناخت خواهد بود و هر گروهی که بتواند بیشترین محتوا را در آن تولید کند، بر آن مسلط خواهد شد.

واژگان کلیدی: فضای سایبر، جنگ ایده‌ها، فضای ذهن، فضای شناخت

۱. رئیس مرکز آینده‌پژوهی مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، (نویسنده مسئول) q_fooladi@yahoo.com

۲. پژوهشگر گروه آینده اندیشی مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور

۳. کارشناس سایبر دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی

۱. کلیات

۱-۱. بیان مسئله

تغییرات اساسی در محیط راهبردی جهانی، جهانی‌سازی، ظهور عصر اطلاعات، گسترش سریع فناوری و به‌موازات آن، تغییرات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که جوامع را تحت تأثیر قرار داده، موجب ظهور طیف وسیعی از انگاره‌های نوین و در حال ظهور گردیده است. «تافلر»^۱ معتقد است: «تمدنی نوین در حال تکوین است که کلید درک وقایع سال‌های پیش روی ماست». (تافلر: ۱۳۸۴: ۱۵) وی بر این اعتقاد است که بشر تاکنون دو موج بزرگ تحول را پشت سر گذاشته است: موج اول که آن‌را «انقلاب کشاورزی» نامید و موج دوم با عنوان «تمدن صنعتی» که ۳۳۰ سال به طول انجامید. او اظهار می‌دارد که موج سوم از راه رسیده و به‌سرعت خود را به کمال خواهد رساند. این موج با از هم گسیختن خانواده‌ها، متزلزل کردن اقتصادها، فلج کردن سیاست‌ها و درهم شکستن ارزش‌ها، بر همه انسان‌ها اثر خواهد گذاشت و زمینه را برای جنگ قدرت فردا فراهم می‌سازد. موج سوم معتقد است که هر تمدنی از فراگردها و اصولی معین استفاده می‌کند و برای تبیین واقعیت و توجیه هستی خود، ابرایدئولوژی خود را به‌وجود می‌آورد. (تافلر: ۱۳۸۴: ۱۱-۳)

از طرف دیگر، برخی معتقدند جهان در حال تبدیل شدن به صحنه نبرد شدید ایده‌هاست؛ دیگر جهان صرفاً عرصه رقابت خشن و مستمر منابع مادی نیست. کلید موفقیت در این جهان در حال ظهور، مدیریت ماهرانه (راهبردی) توانمندی‌ها و منابع اطلاعاتی است. باید «سیاست واقع‌گرا» (سیاست مبتنی بر عوامل عملی و مادی، طبق نظر هنری کیسینجر)^۲ جایی هم برای «سیاست ذهن‌گرا» (سیاست مبتنی بر اخلاق و ایده‌ها، طبق نظر جورج کِنان)^۳ باز کند. (Arguilla: 2003)

1 Toffler

2 Henry Kissinger

3 George Kennan

«مک لوهان» به این نتیجه رسید که رسانه‌ها در دوره‌های مختلف تاریخی، تأثیر قاطعی در تحولات تاریخی بشر داشته‌اند. وی این تحولات را به سه دسته تقسیم کرده است: فرهنگ شفاهی، فرهنگ چاپی و فرهنگ الکترونیکی. دوره اول را «عصر ارتباطات شفاهی»، دوره دوم را «عصر ارتباطات چاپی» و دوره سوم را «عصر ارتباطات الکترونیکی» نامیده است. وی مدعی است که تأثیر تلویزیون و فناوری رایانه، زدودن تفاوت‌های زمانی - مکانی و اعلام عصر تازه‌ای است که باید آن را «عصر جامعه جهانی» نامید. به عقیده او: اگر چه فناوری، از ذهن و عمل انسان منشعب است، اما انسان هر عصر و دوره‌ای، خود زاینده فناوری زمان خویش است. به عبارت دیگر، هر فناوری، بشر را به تدریج در فضای تازه‌ای قرار می‌دهد و هر فضای تازه، عاملی تعیین‌کننده در سرنوشت و زندگی بشر به‌شمار می‌رود. (طاهر اسمعیلی: ۱۳۹۲: ۵۲) «کاستلز» نیز معتقد است: انقلابی فناورانه که بر محور فناوری اطلاعات متمرکز است، با سرعتی شتابان در حال شکل‌دهی مجدد بنیان مادی جوامع است. (کاستلز، ۱۳۸۰: ۸۰) آنچه مسلم است آنکه ما شاهد روند گسترش بی‌سابقه و شتابان فضای سایبر و فضای ارتباطات و اطلاعات هستیم؛ بررسی این روند از آن جهت اهمیت دارد که جوامع بشری و زندگی انسان‌ها را به شکل فزاینده تحت تأثیر شدید خود (مثبت یا منفی) قرار داده و در صورت عدم توجه به تغییر و تحولاتی که در آن رخ می‌دهد، ما را غافلگیر خواهد کرد؛ بنابراین، مقاله حاضر تلاش دارد تا مشخص کند این تغییر و تحولات چه جهتی را در پیش گرفته و به کجا می‌انجامد؟ آیا باید شاهد ظهور فضای جدیدی بود؟

۱-۲. اهمیت و ضرورت تحقیق

با توجه به تغییر رویکردهای دشمن و اتخاذ انگاره‌های نوین در به‌کارگیری ابزارهای شناختی در سلطه‌گری و پیچیدگی‌های رفتاری مورد مشاهده از آن، نتایج مورد انتظار این تحقیق عبارتند از:

(۱) آشنایی با نگرش‌ها و انگاره‌های نوین دنیای غرب درباره شکل جنگ‌های آینده؛

(۲) آشنایی با فضایی که در بستر فضای سایبر به‌طرز نامحسوس در حال شکل‌گیری است؛

(۳) آشنایی با پیامدهای احتمالی فضای در حال شکل‌گیری.

عدم انجام این پژوهش باعث غافل ماندن رهبران فکری و سیاسی جامعه از چنین فضایی خواهد شد که پیامدهای جبران‌ناپذیری را به‌دنبال خواهد داشت.

۳-۱. پیشینه تحقیق

در جست‌وجوی به‌عمل آمده، منبع یا منابع علمی که به‌شکل خاص بر موضوع فضای شناخت متمرکز شده باشد، یافت نشد، اما مفاهیمی نزدیک به آن مانند جنگ شناختی یا فضای ذهن مشاهده گردید. برای مثال، محمدی‌نجم (۱۳۹۴) در تحقیقی با عنوان «جنگ شناختی، بُعد پنجم جنگ»، به این موضوع پرداخته که بُعد پنجم جنگ فضایی است مجازی، سیال، نرم‌افزاری و خارج از حواس [پنجگانه] انسان که به استعاره می‌توان آنرا [فضای] ذهن نامید. در منابع خارجی نیز می‌توان به نوشته‌های «الوین تافلر» (۱۳۸۴) مانند «موج سوم» اشاره کرد که بدون اشاره به موضوع ذهن یا شناخت به مفاهیمی مانند سپهر روانی نوین و جهان‌بینی منسجم جهانی جدید پرداخته است.

۴-۱. سؤال تحقیق

آیا جهت‌گیری تغییر و تحولات فضای سایبر به‌سمت ایجاد یک فضای جدید است؟

۱-۵. هدف تحقیق

شناسایی جهت‌گیری تغییر و تحولات فضای سایبر و فضای جدید احتمالی در حال شکل‌گیری.

۱-۶. روش تحقیق

این پژوهش، بر اساس هدف، بنیادی است و از نظر روش، از نوع آمیخته (کمی و کیفی) است. همچنین، به منظور تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مضمون^۱ و تحلیل آماری بهره‌برداری شده است. برای گردآوری داده‌ها نیز از دو روش مطالعه اسناد و گزارش‌های موجود و همچنین پیمایش (پرسشنامه) برای اعتبارسنجی نتایج استفاده گردیده است.

در مرحله کیفی، از تحلیل مضمون بهره‌گیری شده است. این روش برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. منظور از الگو مدلی است که از طریق نظم مفهومی داده‌های مستخرج به دست می‌آید. این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند. (Braun & Clarke, 2006)

تحلیل مضمون، صرفاً یک روش کیفی صرف نیست، بلکه فرایندی است که می‌تواند در بیشتر روش‌های کیفی به کار رود. به طور کلی، تحلیل مضمون، روشی است برای:

الف) دیدن متن؛

ب) برداشت و درک مناسب از اطلاعات ظاهراً نامرتبط؛

ج) تحلیل اطلاعات کیفی؛

د) مشاهده نظام‌مند شخص، تعامل، گروه، موقعیت، سازمان و یا فرهنگ. (Boyatzis, 1998)

به این منظور، ابتدا به بررسی محتوای متون و کدگذاری جملات کلیدی موجود در آنها اقدام شده که از این طریق، مفاهیم متنوع مورد استفاده در این تحقیق استخراج شده‌اند. در ادامه، با توجه به شباهت موجود بین مفاهیم، آنها را در دسته‌های مفهومی بزرگ‌تری که نشانگر یک مفهوم مستقل هستند، تقسیم‌بندی کرده‌ایم. این دسته‌ها نیز در قالب مضمون‌های مختلف ارائه شده و مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند. مضمون بیانگر چیز مهمی در داده‌ها در رابطه با سؤال‌های تحقیق است و تا اندازه‌ای معنا و مفهوم الگوی موجود در مجموعه‌ای از داده‌ها را نشان می‌دهد. (Braun & Clarke, 2006). یک مضمون، الگویی است که در داده‌ها یافت می‌شود و حداقل به توصیف و سازماندهی مشاهدات و حداکثر به تفسیر جنبه‌هایی از پدیده مورد بررسی می‌پردازد. (Boyatzis, 1998) معمولاً در شبکه مضامین سه نوع مضمون تعریف می‌شود:

الف) مضامین پایه (کدها و نکات کلیدی موجود در متن)

ب) مضامین سازمان‌دهنده (مقوله‌های به‌دست آمده از ترکیب و تلخیص مضامین

پایه)

ج) مضامین فراگیر (مضامین عالی دربرگیرنده اصول حاکم بر متن به‌عنوان یک کل) مضامین به‌عنوان رویه‌ای برای تهیه مقدمات تحلیل یا ارائه نتایج پایانی تحلیل نیست، بلکه شیوه‌ای برای شکستن متن و یافتن نکات معقول و برجسته روشنی در درون متن است. (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰) در مرحله کمی نیز، بر اساس مضامین به‌دست‌آمده، پرسشنامه‌ای تهیه و جهت انجام تحقیق میدانی برای ۵۰ نفر از صاحب‌نظران مرتبط ارسال گردید.

۲. مبانی نظری و ادبیات تحقیق

با آغاز موج سوم (تافلر، ۱۳۸۴) لازم است افراد «جهان‌بینی منسجم جهانی» جدیدی که همه امور را به هم ربط دهد، به‌دست آورند. هیچ جهان‌بینی واحدی هرگز تمامی

واقعیت را در بر نگرفته است. فقط از طریق به کارگماردن استعاره‌های گوناگون و موقتی است که می‌توان تصویری جامع از جهان به دست داد. به نظر تافلر باید به زندگی چارچوبی منظم و هدفمندی بخشید؛ زیرا سپهر روانی نوینی در حال تکوین است که منش انسان‌ها را از بنیاد دگرگون خواهد کرد؛ آنچه موج سوم انجام می‌دهد، ایجاد تحولات عمیق در صفات همه افراد جامعه و خلق منش اجتماعی جدید است و جوامع بار دیگر در آستانه تحول روانی - فرهنگی دیگری قرار دارند. (تافلر، ۱۳۸۴: ۵۲۳)

«مک لوهان»^۱، «فیور»^۲ و «آگل»^۳ اظهار می‌دارند: «سامانه‌های الکترونیکی موجب از بین رفتن سلطه «زمان» و «فضا» شده‌اند و ما شاهد افزایش بی‌درنگ و مداوم دغدغه‌های تمامی مردم دنیا هستیم. این سامانه‌ها نوعی محاوره جدید را در سطح جهان ایجاد کرده‌اند. رسالت آنها متحول‌سازی کلی جهان (شامل پایان بخشیدن به کوتاه‌بینی‌های مادی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی) است ... یک جهان کاملاً جدید ائتلافی و متحد، مدنظر ماست. زمان متوقف گردیده، فضا ناپدید شده و ما هم‌اینک در «دهکده جهانی» زندگی می‌کنیم. تمامی این موارد به شکل همزمان در حال رخ دادن است.» (McLuhan, 1967)

«آرگویلا»^۴ و «رونفلت»^۵ معتقدند: جهان در حال تبدیل شدن به صحنه نبرد شدید ایده‌هاست و دیگر نمی‌توان جهان را صرفاً عرصه رقابت خشن و مستمر منابع مادی دانست. از نظر آنها، کلید موفقیت در این جهان در حال ظهور، مدیریت ماهرانه (راهبردی) توانمندی‌ها و منابع اطلاعاتی است. (Arguilla, 1996) آنها بر این عقیده‌اند که با توجه به اهمیت روز افزون اطلاعات و ارتباطات، می‌توان حوزه‌ها یا دامنه‌هایی برای آنها تعریف کرد. در این میان، سه حوزه‌ای که بیشترین اهمیت را دارند، عبارتند از

-
- 1 McLuhan
 - 2 Fiore
 - 3 Agel
 - 4 Arguilla
 - 5 Ronfeldt

فضای سایبر^۱، فضای اطلاعاتی^۲ و فضای ذهنی^۳ که هر سه حوزه بر محور اطلاعات هستند. البته مفهوم دیگری با عنوان «بازار اطلاعات» مطرح شده که مشابه همین فضای اطلاعاتی است. (Dertouzos, 1997)

فضای ذهنی، انتزاعی‌ترین اصطلاح در میان این اصطلاحات است. این اصطلاح برگرفته از کلمه یونانی «نوس»^۴ به معنای «ذهن» در سال ۱۹۲۵ میلادی توسط دانشمند فرانسوی «تیلهارد»^۵ ابداع و پس از مرگ او در سال‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ به جهان عرضه شد. بر اساس نظر او، تکامل جهان در ابتدا بر اساس «فضای جغرافیایی» و سپس بر اساس «فضای زیستی» بوده (Teilhard, 1961) و در حال حاضر که مردم در حال تبادل ایده‌ها و اندیشه‌های خود در مقیاس جهانی هستند، یک «فضای ذهنی جهانی» در حال ایجاد شدن است؛ تیلهارد برای توصیف این فضا از عبارات‌های گوناگونی مانند «حوزه وسیع جهانی ذهن»، «مدار اندیشه»^۶، «ماشین تفکر حیرت‌آور»^۷، «پاکت تفکر»^۸ مملو از از فیبرها و شبکه‌ها و «هوشیاری»^۹ جهانی استفاده کرد. ممکن است تأکید وی بر توسعه توسعه یک فضای ذهنی اخلاقی، بیشتر متأثر از تجربیات ناگوار جنگ جهانی اول (دوره او) باشد، اما از نظر «جولیان هوکسلی»^{۱۰}، فضای ذهنی در حقیقت «شبکه‌ای از افکار زنده»^{۱۱} است. (Huxley, 1965)

1 Cyberspace

2 Infosphere

3 Noosphere

4 noos

5 Pierre Teilhard de Chardin

6 thinking circuit

7 stupendous thinking machine

8 thinking envelope

9 consciousness

10 Julian Huxley

11 web of living thought

تیلهارد معتقد است: نیروهای ذهنی همواره در حال ایجاد بخش‌هایی از فضای ذهنی بوده‌اند و در دوره‌های مختلف، به‌نوعی از این بخش‌ها استفاده کرده‌اند. فضای ذهنی فعلی جهانی نیز در نتیجه این امر ایجاد شده و قسمت‌های مختلف آن در حال ترکیب با یکدیگر هستند. اکنون زود است که این ترکیب را به‌شکلی انجام دهیم که مردم با ملیت‌ها، اعصار و فرهنگ‌های مختلف بتوانند هوشیاری و فعالیت ذهنی مشترکی را در سطح جهانی به‌وجود آورند، بدون آنکه هویت شخصی آنها از دست برود. افزایش ارتباطات، محرکی برای این فضا می‌باشد. (Teilhard, 1964)

«الیس بولدینگ»^۱ نقشه چندلایه‌ای شامل «فضای جغرافیایی»، «فضای زیستی» و «فضای اجتماعی» را ترسیم می‌کند که در آن فضای اجتماعی شامل خانواده‌ها، انجمن‌ها، دولت‌های ملی، سازمان‌های بین‌المللی و «لایه افراد» (شبکه‌ای فراملی از سازمان‌های داوطلب بین‌المللی) است. در بالای این نقشه، فضای ذهنی قرار دارد که عبارت است از مجموع تمام اندیشه‌های به‌دست‌آمده در فضای اجتماعی. بولدینگ عقیده دارد: «اگر ما بتوانیم خودمان را بیشتر درگیر شبکه‌هایی کنیم که دسترسی به محتویات ذهنی و اندیشه را برای ما ممکن می‌سازند، می‌توانیم در پیدایش فرهنگ شهروندی جهانی مشارکت بیشتری داشته باشیم» (Boulding, 1993) او امیدوار است که مجامع جهانی از شهروندان خصوصی بتوانند یک «فرهنگ شهروندی جهانی» (بر اساس این مفهوم که مردم با ملیت‌های مختلف علائق مشترکی دارند) را پیروانند. سازمان‌های غیردولتی و دیگر گروه‌هایی که بر اساس اصول اخلاقی می‌اندیشند (و از طریق فرهنگ فضای ذهنی تقویت می‌شوند)، می‌توانند شیوه حکومت بر جهان را دگرگون سازند. (Boulding, 1993)

فلاسفه عصر اطلاعات مانند «کوب»^۱ که توجه خاصی به مفهوم فضای ذهنی نشان داده‌اند، معتقدند: رشد این حوزه وابسته به افزایش سامانه‌های اطلاعاتی و ارتباطی اینترنتی توأم با امکان دسترسی همگانی است. (Cobb, 1998) تأکید این حوزه بر ابعاد معنوی و سازمانی است (البته بعد فناورانه را نیز نادیده نمی‌گیرد). (Arguilla, 2003) تحلیلگران و راهبردپردازان این حوزه تمایل دارند که بیشتر راجع به نقش ایده‌ها، ارزش‌ها و هنجارها بیندیشند، تا اینکه بخواهند درباره تعداد میزبان‌های اینترنتی، وبگاه‌های اینترنتی و سرعت ارسال اطلاعات حرف بزنند. (Arguilla, 2001) «زفرناسکی»^۲ بر این اعتقاد است که بیشتر مباحث حوزه فضای سایبر به سمت مباحث مربوط به فضای ذهنی متمایل شده‌اند. برای مثال، تحلیلگران نظامی که راجع به جنگ اطلاعاتی در فضای سایبر یا فضای اطلاعاتی سخن می‌گویند، مدعی هستند در واقع چنین جنگی، حول توانایی‌های ذهنی مردم و حمله به ادراک و شناخت آنهاست.

در مجموع به نظر می‌رسد فضای ذهنی، وسیع‌ترین حوزه آینده است و بر دو حوزه دیگر احاطه خواهد داشت که این امر در شکل شماره (۱) به خوبی نمایش داده شده است. با توجه به اینکه اطلاعات و ارتباطات از اهمیت بیشتری برخوردار شده‌اند، بنابراین حوزه‌ها یا دامنه‌هایی برای آنها تعریف شده است. سه حوزه‌ای که بیشترین اهمیت را دارند، عبارتند از: فضای سایبر^۳، فضای اطلاعاتی^۴ و فضای ذهنی^۵. تمام این حوزه‌ها بر محور اطلاعات هستند و عناصر فناورانه، سازمانی و ذهنی را با هم ترکیب می‌کنند. فضای ذهنی، وسیع‌ترین حوزه آینده است و بر تمامی این سه حوزه احاطه خواهد داشت. با رشد یک حوزه، دیگر حوزه‌ها نیز رشد می‌کنند (هر چند لزوماً

1 Cobb

2 Szafranski

3 Cyberspace

4 Infosphere

5 Noosphere

به شکل یکسان رشد نمی‌کنند). باید فضای سایبر و فضای اطلاعاتی (فضای سایبر افزون بر رسانه‌ها) دو زیرمجموعه فضای گسترده‌تری به نام «فضای ذهنی» (حوزه جهان‌شمول ذهن) دیده شوند. (Arguilla, 2003: 21)



شکل شماره (۱) ارتباط نمایشی فضاهای سایبر، اطلاعات و شناخت (Arguilla, 2003: 21)

انقلاب اطلاعاتی هم در یکپارچه‌سازی و هم در فروپاشی که در دنیای امروز در حال رخ دادن است، نقش دارد. این مطلب در تمامی این سه حوزه بدیهی به نظر می‌رسد. اگرچه شاید فضای ذهنی مناسب‌تر از بقیه برای درگیری‌های ارزشی باشد. فضای ذهنی همچون ذهن، یک نظام (سیستم) «پردازش اطلاعات» و «سازماندهی اطلاعات» است (تمایز مهم آن با دیگر حوزه‌ها). از دیدگاه پردازش، این حوزه روی ارسال پیام‌ها به‌عنوان ورودی‌ها و خروجی‌های نظام متمرکز می‌شود. در مقابل از دیدگاه ساختاری و سازماندهی، این حوزه، اهداف، ارزش‌ها و روش کار یک سازمان (یا سیستم) را آشکار می‌سازد (آنچه برای اعضای آن از نقطه نظر هویت، مقصود و هدف مهم است؛ فارغ از اینکه اطلاعات در حال پردازش هستند یا خیر). (Teilhard, 1964)

وقتی شخصی راجع به فضای سایبر می‌اندیشد، تصور یک صفحه اینترنتی به ذهن او خطور می‌کند (چه محتویات این صفحه فرهنگی باشد و چه غیر فرهنگی باشد، ربطی

به مقولات ذهنی ندارد). وقتی فردی راجع به فضای اطلاعاتی می‌اندیشد، احتمالاً یک تصویر تلویزیونی که اخبار «سی.ان.ان» را از طریق ماهواره پخش می‌کند، به ذهن او خطور می‌کند. هنگامی که شخصی راجع به فضای ذهنی می‌اندیشد، تصور یک نوع فناوری خاص به ذهن او خطور نمی‌کند، بلکه احتمالاً یک ایده شناور در فضای فرهنگی را در ذهن خود تجسم می‌کند (و احتمالاً محتوای آن مسائل فرهنگی است). (Arguilla, 2003) بر اساس نظر «تیلهارد»، این مطلب کاملاً قابل درک است که فضای ذهنی موجب نیل انسان به سطحی متعالی و جدید از تکامل خواهد شد؛ این امر هم از طریق هماهنگی گروهی انرژی‌های اجتماعی و فردی و هم به واسطه تبعیت از اصول اخلاقی و قانونی حاصل می‌شود. به هر حال احتمالاً راه همواری پیش روی این گذار وجود ندارد؛ یک جنبش جهانی و شاید هم یک کتاب الهام‌بخش (همچون انجیل و تورات) بتواند آخرین ترکیب فضای ذهنی را تشریح نماید.

مفهوم فضای ذهنی بر فضای سایبر و فضای اطلاعاتی احاطه دارد و سطوح فناورانه، سازمانی و معنوی خاص خودش را داراست. این فضا مؤید مقوله‌ای سازمانی است که همواره در فعالیت‌های ما حول انقلاب اطلاعاتی به تصویر کشیده می‌شود: ظهور الگوهای شبکه‌ای سازمانی که موجب تقویت بازیگران جامعه مدنی می‌شود. بیشتر مباحث مربوط به فضای سایبر به سمت مباحث مربوط به فضای ذهنی متمایل شده‌اند. برای مثال، تحلیلگران نظامی که راجع به جنگ اطلاعاتی در فضای سایبر یا فضای اطلاعاتی سخن می‌گویند، مدعی هستند که چنین جنگی، حول توانایی‌های ذهنی مردم و حمله به ادراک و شناخت آنهاست. (Szafranski, 1994), (Szafranski, 1995), (Stein, 1995)

۲-۱. تحلیل روند فضای اطلاعاتی نوین

بررسی روندهای جهانی کمک خواهد کرد تا سمت و سوی تغییر و تحولات بهتر درک شده و مشخص گردد آیا روندها نیز حرکت به سمت ایجاد فضای شناخت

مشترک را تأیید می‌کنند یا خیر. ناتو در گزارش خود در سال ۲۰۱۱ میلادی محیط آینده را محیطی بس پیچیده برشمرده و جهان هستی را که پیشتر نظامی ساده بوده، جهانی تبدیل یافته به نظامی می‌داند که در آن اجزای محیط به هم پیوسته هستند. روابط و پیوندهایی که در این محیط‌های پیچیده وجود دارد، دیگر خطی نیستند؛ چون با افزایش جهانی سازی و شبکه سازی، اجزا با قدرت بیشتری به یکدیگر مرتبط شده‌اند. تغییر الگوهای جنگی در دهه‌های اخیر بسیار بارزتر گردیده و در دهه‌های آینده نیز ادامه خواهد یافت. این امر شامل ارتباط در حال تغییر میان استفاده از نیروی فیزیکی در جنگ و استفاده از فرایندهای شناختی و اطلاعاتی است. در سال‌های آینده، جنگ‌ها بیشتر به حوزه‌های شناختی و اطلاعاتی کشیده خواهند شد. (NATO, 2011: 19)



شکل شماره (۲) روابط در حال تغییر

افزایش قدرت محاسباتی رایانه‌ها و تأثیرشان بر محیط، جامعه و انسان‌ها، باعث ایجاد جهانی برنامه پذیرتر می‌شود. حرکت به سوی محاسبه به کاربران متعدد این اجازه را می‌دهد تا اطلاعات خود را به اشتراک گذاشته و شبکه سخت افزاری، کاربردهای نرم افزاری و پایگاه داده‌ها را به خدمت خود درآورند. توانایی برقراری ارتباط با سایر افراد و به اشتراک گذاری افکار و اطلاعات با آنها از انتظارات اولیه‌ای است که شبکه‌های اجتماعی برآورده می‌کنند. تحقیقات اجتماعی که بر روی شبکه‌های اجتماعی

انجام گرفته، نشان دهنده قدرت عجیب شبکه‌ها و توانایی آنها در شکل‌دهی زندگی انسان‌هاست. در واقع رفتارهای فردی، توجیه‌ها و فعالیت‌ها بر یکدیگر اثرگذار هستند. روند به‌گونه‌ای است که شبکه‌های اجتماعی چندگانه که هر کدام اهداف متفاوتی دارند، به یک سکو متصل شوند. در آینده نیز الگوریتم‌هایی به این روند اضافه می‌شوند که از مواضع شخصی افراد در مورد دیدگاه‌های سیاسی، عادت‌ها، عمق شبکه‌های اجتماعی، قدرت فراگیرنده و ... بهره‌برداری می‌شود.

روندها نشان می‌دهند که شبکه‌ها در آینده کار ایجاد ایده‌های نوین که پیشتر به‌وسیله تلویزیون و روزنامه انجام می‌شد را انجام می‌دهند. تحقق این امر با افزایش دسترسی کامل به شبکه‌های اجتماعی محقق می‌شود؛ بنابراین، شبکه‌های اجتماعی فراگیرتر شده، با هم ترکیب گردیده و یک شبکه اجتماعی را تشکیل می‌دهند که در آن «زبان» دیگر مانع نخواهد بود. (NATO, 2011: 26) «اطلاعات» و «قدرت» دو مقوله‌ای هستند که به شکل فزاینده‌ای یکپارچه می‌شوند. در تمام حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی، قدرت نرم اطلاعاتی در مقایسه با قدرت سخت مادی و سنتی، از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شود. (Arguilla, 2003)

«آرگویلا» و «رونفلت» در مطالعات خود به پنج روند اشاره می‌کنند که نشان‌دهنده شکل‌گیری فضا و انگاره جدیدی است:

۱. **بافت در حال رشد پیوندهای جهانی:** که منجر به یکپارچه‌سازی جهان و بازیگران کلیدی آن می‌شود؛ زیرا نقش بازیگران غیردولتی و شبکه‌های جهانی در حال افزایش است. در مجموع، پیونددهی جهان، مهم‌ترین «بازی» آینده‌نگرانه دهه‌های پیش رو می‌باشد (مهم‌تر از بازی موازنه قدرت) و این پیوندهای در حال تعمیق را می‌توان ویژگی تعریف‌کننده قرن بیست‌ویکم دانست؛ باید بازیگری آینده‌نگر به بسیاری از ارتباطات و همکاری‌ها وارد شده و آن را مدیریت نماید؛ بسیاری از این بازیگران می‌توانند بازیگران جامعه مدنی فراملی باشند.

۲. رشد قدرت جامعه مدنی جهانی: همچنان دولت‌ها بازیگران اصلی نظام بین‌الملل باقی خواهند ماند. انقلاب اطلاعات به جای اینکه دولت‌ها را از صحنه روزگار محو کند، باعث تغییر ماهیت آنها می‌شود. آنچه اتفاق خواهد افتاد، یک «تحول» است. همزمان، قدرت و اثرگذاری بازیگران غیردولتی افزایش خواهد یافت که بیانگر جامعه مدنی هستند.

۳. رشد قدرت نرم: انقلاب اطلاعات در حال تغییر ماهیت قدرت به سمت قدرت نرم است. (NYE, 1990)

۴. اهمیت جدید مزایای همکاری: در عصر اطلاعات، مزایای «همکاری» از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ افزون بر این، هنگامی که یک جامعه، توانایی‌های خود را در همکاری با دوستان و متحدان بهبود می‌بخشد، به مزیت‌های رقابتی در مقابل رقبا نیز دست می‌یابد.

۵. شکل‌گیری فضای ذهنی جهانی: فضای ذهنی در حقیقت «شبکه‌ای از افکار زنده»^۱ است. تأکید این حوزه بر ابعاد معنوی و سازمانی است؛ البته بُعد فناورانه را نیز نادیده نمی‌گیرد. بدون ظهور و تعمیق یک فضای ذهنی بزرگ و شناخته‌شده، امید اندکی به حرکت جهان به سمت یک نظام جدید وجود دارد. (Arguilla, 2003)

«ویلیس هارمن»^۲ در رابطه با اهمیت «تغییر ذهن» می‌گوید «نه قدرت اقتصادی، نه قدرت سیاسی و نه قدرت نظامی هیچ کدام قابل مقایسه با قدرت تغییر ذهن نیستند». (Willis, 1998) در آینده نباید از خودمان پرسیم چنانچه ما در موقعیت مخاطبان خود قرار داشتیم، چگونه فکر می‌کردیم؟ بلکه بهتر است پرسیم که آنها در موقعیت کنونی خود چگونه فکر می‌کنند؟ تأکید این حوزه بر ابعاد معنوی و سازمانی است (البته بُعد فناورانه را نیز نادیده نمی‌گیرد).

1 web of living thought

2 Willis Harman

تبدیل شدن سریع دانش به منبعی نیرومندتر برای قدرت و راهبرد را به هیچ وجه نمی‌توان در قالب سیاست واقع‌گرا و جهان‌گرایی سنتی جای داد. سیاست ذهن‌گرا رویکردی به سیاست است که بازیگران غیردولتی را نیز همپای بازیگران دولتی به بازی می‌گیرد و مبتنی بر نقش «قدرت نرم» در ابراز ایده‌ها، ارزش‌ها، هنجارها و اصول اخلاقی در طیف گسترده رسانه‌هاست؛ بنابراین، «سیاست ذهن‌گرا» متمایز از «سیاست واقع‌گرا» است که اساساً مبتنی بر ابعاد سخت و مادی قدرت می‌باشد و دولت‌ها را تعیین‌کنندگان نظم جهانی می‌داند. سیاست ذهن‌گرا اشتراک‌های فراوانی با جهان‌گرایی دارد؛ اگرچه ما معتقدیم جهان‌گرایی یک چارچوب (پارادایم) در حال گذار است که می‌تواند در قالب سیاست ذهن‌گرا گنجانده شود؛ اگر بازیگران، ارزش‌های واحدی را به اشتراک بگذارند، می‌تواند در محدودسازی رفتار دشمن کارساز باشد. (Morgenthau, 1994), (Kissinger, 1994)

نکته مهم دیگر، گسترش درک این مطلب است که «اطلاعات» و «قدرت» دو مقوله‌ای هستند که به شکل فزاینده‌ای یکپارچه می‌شوند. در تمام حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی، قدرت نرم اطلاعاتی در مقایسه با قدرت سخت مادی و سنتی، از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شود. احتمالاً برای رشد کامل این روند، به مدت زمانی طولانی نیازمند هستیم؛ بنابراین شاید همچنان روش‌های سنتی به‌کارگیری قدرت کاملاً در کانون سیاست‌های اطلاعاتی باقی بمانند. البته، ظهور قدرت نرم دلیل دیگری است که لزوم توجه به قاعده‌مندسازی راهبرد اطلاعات را روشن می‌سازد. قدرت، امنیت و راهبرد از مقوله‌هایی هستند که در عصر اطلاعاتی باید دوباره تعریف شوند.

۲-۲. ضرورت بسط مفاهیم امنیتی فرای ابعاد نظامی و اقتصادی

یک استعاره قدیمی در مورد سیاست واقع‌گرا که سیاست جهانی را در قالب عبارات نیوتونی بیان می‌دارد، تصور دولت‌ها به‌عنوان تنها عناصر مهم بازی است: همچون

توپ‌های بیلیارد که در سطح یک میز حرکت می‌کنند. شاید تعبیر دقیق‌تر امروزی، استعاره پسانیتونی یا حداقل فهم متفاوتی از همین استعاره قدیمی باشد. استعاره جدید نه فقط باید توپ‌های جدیدی را برای بازیگران غیردولتی در نظر بگیرد، بلکه باید بسته به پویایی سطح میز و تعاملات بین توپ‌ها، نشان دهد که چه اتفاقی در میز می‌افتد. اگر بخواهیم استعاری بگوییم، بافت سطح میز به همان گونه‌ای تغییر می‌کند که خود آن‌را به عاملی جدید و مهم مبدل می‌سازد. (Arguilla, 2003)

آمریکا در رابطه با فضای ذهنی نیز با وضعیت مشابهی (البته بادوام‌تر) مواجه است. در این حوزه چشم‌اندازی خوب (اما محدود و تضمین‌نشده) برای حکمرانی ایده‌ها، عوامل و روش‌های آمریکایی در زمینه محتوا و شیوه هدایت آن وجود دارد. هنوز، ظهور فضای ذهنی، وابسته به نیروهای بی‌شمار توزیع شده در سرتاسر جهان (نه فقط آمریکایی) است. برای مردم و سنت‌های غیرآمریکایی نیز بایستی فضایی وجود داشته باشد؛ همچنین برای بازیگران غیردولتی توانمند جدید نیز بایستی فضایی اختصاص داده شود؛ از جمله، سازمان‌های غیردولتی جامعه مدنی جهانی که به هویت و قدرت ملی توجه چندانی ندارند؛ افزون بر این، فضای ذهنی باید از اصول اخلاقی جذاب و بادوامی برخوردار باشد، ولی این حوزه یک نقطه ضعف مخاطره‌آمیز نیز دارد: بازیگران «جامعه غیرمدنی»^۱ همچون تروریست‌ها و تبهکاران می‌توانند از ابعاد مختلف این فضا برای دستیابی به اهداف پلید خود استفاده کنند، یا (حداقل) این فضا به‌عنوان مجرای برای دستیابی به این اهداف مورد استفاده قرار می‌گیرد. همچنین در صورت عدم وجود ساختاری مستحکم برای این فضا، این احتمال وجود دارد که این فضا توسط مکاتب مرتجع فکری جدید تحریف شود؛ این مکاتب برای مردمی که احساس پوچی می‌کنند، جذاب است. با وجود این مشکلات بالقوه، همچنان ارزش این را دارد که آمریکایی‌ها

برای ترویج فضای ذهنی در جهت انطباق با ایده‌آل‌ها و مصالح آمریکایی، به فعالیت بپردازند.

«فضای ذهنی جهانی» در حال شکل‌گیری است. راهبرد آمریکا نیز فقط باید به دنبال جست‌وجوی توازنی مطلوب از قدرت در یک نظام چندقطبی باشد. وابستگی جهانی (و ارتباطات) توأم با چشم‌انداز تبدیل آمریکا به قدرتی جهانی (متمايز از یک قدرت ملی) مبین نبود یک «بازی بین‌المللی» بر اساس «موازنه قدرت متداول» در پیش رو می‌باشد.

بر همین اساس است که مقام معظم رهبری درخصوص نفوذ بر اذهان توسط نظام سلطه می‌فرمایند: «امروز نفوذ دشمن یکی از تهدیدهای بزرگ است برای این کشور ... نفوذ یعنی چه؟ ... نفوذ امنیتی چیز کوچکی نیست اما در مقابل نفوذ فکری و فرهنگی و سیاسی، کم‌اهمیت است ... از همه مهم‌تر، نفوذ سیاسی و نفوذ فرهنگی است. دشمن سعی می‌کند در زمینه فرهنگی، باورهای جامعه را دگرگون کند و آن باورهایی را که توانسته این جامعه را سرپا نگه دارد، جابه‌جا کند، خدشه در آنها وارد کند، اختلال و رخنه در آنها به وجود بیاورد». (بیانات، ۱۳۹۴/۱۲/۵)

۳. تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق

در جدول شماره (۳) تجمیع مطالعه تطبیقی مطرح شده توسط صاحب‌نظران بیان شده است. برخی از این گزاره‌ها، ظهور فضای ذهن مشترک، جهان‌بینی مشترک، جهان و فرهنگ مشترک جدیدی را پیش‌بینی می‌کنند که در آن مردم به تبادل ایده‌ها و اندیشه‌های خود پرداخته و ارزش‌ها و علایق واحدی را به اشتراک می‌گذارند. برخی از گزاره‌ها نیز حاکی از وجود تلاش‌هایی برای ایجاد چنین فضایی هستند؛ در این میان، برخی دیگر از گزاره‌ها نشان‌دهنده تلاش عده‌ای برای تسلط بر این فضا می‌باشد.

جدول شماره (۳) نتایج مطالعه تطبیقی آراء صاحب‌نظران بر حسب موضوع

مضمون	گزاره‌ها
جهان‌بینی منسجم جهانی	لازم است افراد جهان‌بینی منسجم جهانی جدیدی که همهٔ امور را به هم ارتباط دهد، به دست آورند. (تافلر)
	سپهر روانی نوینی در حال تکوین است که منش انسان‌ها را از بنیاد دگرگون خواهد کرد.
	موج سوم، تحولات عمیقی در صفات همهٔ افراد جامعه ایجاد می‌کند و این خلق منش اجتماعی جدیدی است.
	جوامع بار دیگر در آستانهٔ تحول روانی - فرهنگی دیگری قرار دارند.
حکمرانی بر ایده‌ها (نبرد ایده‌ها)	جهان در حال تبدیل شدن به صحنهٔ نبرد شدید ایده‌هاست.
	کلید موفقیت در این جهان در حال ظهور، مدیریت ماهرانه (راهبردی) توانمندی‌ها و منابع اطلاعاتی است. (آرگویلا و رونفلت)
	اگر دیگر مردم دنیا نیز همچون «مکلوهان» این تغییرات فضایی و زمانی را بپذیرند، آن‌گاه یک دهکده جهانی متحد ایجاد می‌شود.
	ایالات متحده آمریکا در رابطه با فضای ذهنی، چشم‌اندازی خوب (اما محدود و تضمین نشده) برای حکمرانی ایده‌ها، عوامل و روش‌های آمریکایی در زمینهٔ محتوا و شیوهٔ هدایت آن دارد.
	ارزش این را دارد که آمریکایی‌ها برای ترویج فضای ذهنی در جهت انطباق با ایده‌آل‌ها و مصالح آمریکایی، به فعالیت بپردازند.
فضای ذهنی جهانی	فضای ذهنی باید از اصول اخلاقی جذاب و بادوامی برخوردار باشد.
	در حال حاضر مردم در حال تبادل ایده‌ها و اندیشه‌های خود در مقیاس جهانی هستند؛ یک «فضای ذهنی جهانی» در حال ایجاد شدن است. (تیلهارد)
	مردم با ملیت‌ها، اعصار و فرهنگ‌های مختلف [باید] بتوانند هوشیاری و فعالیت ذهنی مشترکی را در سطح جهانی به وجود آورند، بدون آنکه هویت شخصی آنها از دست برود.
جهان کاملاً جدید اثتلافی و متحد	سامانه‌های الکترونیکی یک نوع محاوره جدید را در سطح جهان ایجاد کرده است. رسالت آنها متحول‌سازی کلی جهان (شامل پایان بخشیدن به کوته‌بینی‌های مادی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی) است ... یک جهان کاملاً جدید اثتلافی و متحد، مدنظر ماست. (مک لوهان، فیور، آگل)

مضمون	گزاره‌ها
حمله به ادراک و شناخت مردم	بیشتر مباحث مربوط به فضای سایبر به سمت مباحث مربوط به فضای ذهنی متمایل شده‌اند.
	تحلیلگران نظامی که راجع به جنگ اطلاعاتی در فضای سایبر یا فضای اطلاعاتی سخن می‌گویند، مدعی هستند در واقع چنین جنگی، حول توانایی‌های ذهنی مردم و حمله به ادراک و شناخت آنهاست. (زفرناسکی)
فرهنگ شهروندی جهانی فرهنگ فضای ذهنی	اگر ما بتوانیم خودمان را بیشتر درگیر شبکه‌هایی کنیم که دسترسی به محتویات ذهنی و اندیشه را برای ما ممکن می‌سازند، می‌توانیم در پیدایش فرهنگ شهروندی جهانی مشارکت بیشتری داشته باشیم. (الیس بولدینگ ^۱)
	امیدواریم مجامع جهانی از شهروندان خصوصی بتوانند یک «فرهنگ شهروندی جهانی» بپروراند، بر این اساس که مردم با ملیت‌های مختلف علائق مشترکی دارند.
ارزش‌های واحد	گروه‌هایی که بر اساس اصول اخلاقی می‌اندیشند و از طریق فرهنگ فضای ذهنی تقویت می‌شوند، می‌توانند شیوه حکومت بر جهان را دگرگون سازند.
	اگر بازیگران، ارزش‌های واحدی را به‌اشتراک بگذارند، می‌تواند در محدودسازی رفتار دشمن کارساز باشد. (مورگنتا و کیسینجر)

بررسی اسناد و گزارش‌های متعدد آمریکایی مانند بازدارندگی راهبردی^۲ (۲۰۰۴)، عملیات ثبات^۳ (۲۰۰۴)، فرماندهی و واپایش^۴ (۲۰۰۵)، اصول ملی جنگ^۵ (۲۰۰۶)، محیط عملیات مشترک آمریکا تا ۲۰۳۰ (۲۰۰۶)، جنگ بی‌قاعد^۶ (۲۰۰۷)، محیط عملیات مشترک آمریکا تا ۲۰۳۰ (۲۰۰۷)، شبکه مسلمانان میان‌ه‌رو (۲۰۰۸)، محیط

- 1 Elise Boulding
- 2 Strategic Deterrence
- 3 Stability Operations
- 4 Command and Control
- 5 National Principal of War
- 6 Irregular Warfare

عملیات مشترک آمریکا تا ۲۰۳۰ (۲۰۰۸)، ارتباطات راهبردی^۱ (۲۰۰۹)، رویکرد همه‌جانبه^۲ (۲۰۰۹)، جنگ بی‌قاعده (۲۰۱۰)، محیط عملیات مشترک آمریکا تا ۲۰۳۰ (۲۰۱۰)، ارتباطات راهبردی (۲۰۱۰)، اسناد راهبرد امنیت ملی آمریکا^۳ از ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ و اسناد راهبرد دفاع ملی^۴ و نظامی^۵ از ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۱، مفهوم بالادستی عملیات مشترک^۶ (۲۰۰۹)، جنگ روایت‌ها^۷ و ... نیز نشان‌دهنده تولید و ظهور مفاهیمی مانند شکل دهی به محیط، تمرکز بر مردم (مردم در حکم سربازان آمریکایی)، نفوذ در اذهان، تمرکز بر افراد و گروه‌های اثرگذار جامعه، جنگ ایده‌ها و روایت‌ها، همبستگی جهانی پیچیده و به‌کارگیری ابزار نرم و شناختی است که حرکت به سمت فضای ذهن و شناخت را تداعی می‌کند.

جدول شماره (۴) مفاهیم

مضمون	گزاره‌ها
(۱) شکل‌دهی به محیط مطابق میل خود	شکل بخشیدن به تحولات به صورت فعال
	شکل دادن یک نظم بین‌المللی که قادر باشد بر چالش‌های قرن بیست و یکم فائق آید
	شکل دادن به جهان نه اینکه جهان ما را شکل دهد
	برقراری روابط با قوی‌ترین کشورهای جهان به منظور شکل‌دهی به آینده و جلوگیری از ظهور مجدد رقابت بین کشورهای بزرگ و حفظ برتری‌های آمریکا
	اثر گذاشتن بر حوادث
	پیش‌دستی و پیشی‌جستن از ظهور چالش‌های جدید

- 1 Strategic Communication
- 2 Comprehensive Approach
- 3 National Security Strategy
- 4 National Defense Strategy
- 5 National Military Strategy
- 6 Capstone Concept for joint operations
- 7 Narratives war

مضمون	گزاره‌ها
	کمک به ساخت دنیایی امن‌تر و بلکه بهتر
	کسب حمایت و پشتیبانی مردم
	جنگ بی‌قاعده یک کشمکش سیاسی است که بر محوریت مردم استوار است
(۲) تمرکز بر مردم	مردم حتی بیشتر از نظامیان و فناوری پیشرفته در موفقیت جنگ بی‌قاعده نقش دارند
(مردم در حکم رفتارهای مردم	پیشبرد منافع ملی با استفاده از روش‌های ارتباطی به منظور اثرگذاری بر نگرش‌ها و رفتارهای مردم
سربازان آمریکایی)	هرکس بتواند سخن خود را در اذهان مردم و مخاطبان به کرسی بنشاند، او برنده جنگ است؛ مهم نیست واقعیت چیست، مهم آن است مردم چه چیزی را واقعیت درک کرده باشند.
	از بین بردن و تخریب مشروعیت و اعتبار گروه حاکم نزد مردم
	رشد تدریجی ارزش‌های دموکراتیک و لیبرال از طریق مردم عادی
	آمریکا درگیر جنگی شده که هم وجهه مسلحانه دارد و هم نبرد اندیشه‌ها و عقاید است
	بی‌اعتبارسازی ایدئولوژی‌ها یا سیاست‌های رقیب یا دشمن
(۳) جنگ	فشار از طریق جنگ ایدئولوژیک، جنگ ایده‌ها و جنگ روایت‌ها و بی‌اعتبارسازی ایدئولوژی‌ها
ایده‌ها، جنگ روایت‌ها	به‌کارگیری راه‌های زیرکانه‌تر اجتماعی - سیاسی برای کاهش جذابیت ایدئولوژی طرف مقابل
	آنچه که بیش از همه مهم است، پیروزی در «جنگ ایده‌ها» است که بخش بزرگ آن باید از خود جهان اسلام گرفته شود.
	جنگ‌ها جهت پیروزی در بیان روایت رخ خواهند داد
(۴) تمرکز بر افراد و گروه‌های تاثیرگذار جامعه	هدف‌گیری مخاطبان میانه‌رو یا بی‌طرف
	شناسایی و دستیابی به رهبران فکری کلیدی
	استفاده از گروه‌های مختلف داخلی علیه گروه حاکم مخالف آمریکا؛
	تمرکز بر افراد و گروه‌هایی که دارای بیشترین توانایی اعمال نفوذ بر دیگران را دارا هستند.

مضمون	گزاره‌ها
	<p>مشروع ساختن جنگ مستلزم جلب حمایت گروه‌ها و افرادی است که بر اذهان عمومی اثرگذار هستند.</p> <p>متحدان غرب می‌توانند از میان سکولارها، مسلمانان لیبرال و سنت‌گرایان میانه‌رو باشند.</p> <p>مسلمانان آمریکایی با دانش فرهنگی خود و خانواده و ارتباطات اجتماعی به کشورهای زادگاهشان، می‌توانند یک عنصر حیاتی در جنگ ایده‌ها در جهان اسلام باشند.</p> <p>امروزه زنان به‌عنوان نمایندگان اساسی دموکراسی‌سازی و تغییر فرهنگی به‌شمار می‌روند.</p> <p>متقاعد کردن مخاطبان منتخب برای انجام اقدام‌های ویژه که از اهداف آمریکا یا بین‌المللی پشتیبانی کند.</p> <p>تربیت پیشوا برای مسلمانان در اروپا</p>
(۵) نفوذ در اذهان	<p>نفوذ قاطع در تصمیم‌گیری طرف مقابل</p> <p>نفوذ و تأثیر اطلاعاتی (نگرش‌ها و رفتارهای ایجادشده در مخاطبان با استفاده از کلمات، تصاویر و اقدام‌ها) به‌عنوان مهم‌ترین بخش در تدوین راهبردها و اجرای عملیات</p> <p>آمریکا از اعمال مستقیم قدرت در حال گذار به آمیزه دشواری از قدرت و نفوذ غیرمستقیم و پیچیده است.</p> <p>وادار کردن دشمن به تن در دادن به خواسته‌های آمریکا</p> <p>نشان دادن و فهماندن به دشمن که عمل او منفعتی برایش ندارد.</p> <p>ترغیب طرف‌های ثالث قابل اتکا (برای مثال، رهبران خارجی، رسانه‌ها و افراد بانفوذ و کلیدی) جهت انتقال پیام</p> <p>وادار کردن یک رقیب یا دشمن به اتخاذ (با خودداری از) اقدام‌های خاص</p> <p>ایجاد تلقی و درک فشار بی‌وقفه در تمام سطوح (راهبردی، عملیاتی و راهکنشی) در ذهن دشمن</p> <p>هر کس بتواند سخن خود را در اذهان مردم و مخاطبان به کرسی بنشاند، او برنده جنگ است؛ مهم نیست واقعیت چیست، مهم آن است مردم چه چیزی را واقعیت درک کرده باشند.</p>

مضمون	گزاره‌ها
	مشروع ساختن جنگ مستلزم جلب حمایت گروه‌ها و افرادی است که بر اذهان عمومی اثرگذار هستند.
(۶) جنگ ایده‌ها، جنگ روایت‌ها	آمریکا درگیر جنگی شده که هم وجههٔ مسلحانه دارد و هم نبرد اندیشه‌ها و عقاید است.
	بی‌اعتبارسازی ایدئولوژی‌ها یا سیاست‌های رقیب یا دشمن
	فشار از طریق جنگ ایدئولوژیک، جنگ ایده‌ها و جنگ روایت‌ها و بی‌اعتبارسازی ایدئولوژی‌ها
	به‌کارگیری راه‌های زیرکانه‌تر اجتماعی - سیاسی برای کاهش جذابیت ایدئولوژی طرف مقابل
	آنچه که بیش از همه مهم است پیروزی در «جنگ ایده‌ها» است که بخش بزرگ آن باید از خود جهان اسلام گرفته شود.
	جنگ‌ها جهت پیروزی در بیان روایت رخ خواهند داد
(۷) به‌کارگیری ابزار نرم و شناختی	توجه جدی به ارتباطات راهبردی مؤثر
	انتقال دیپلماسی عمومی به دنیای اسلام از طریق رادیو و تلویزیون‌های ماهواره‌ای
	رسانه‌ها ابزار بسیار مهم جهت ایجاد آثار راهبردی
	حضور یک رسانهٔ میانه‌رو در برابر رسانه‌های رادیکال، ابزار حیاتی در جنگ ایده‌هاست.
	تغییر موضع از اقدام‌های مستقیم نظامی به سرمایه‌گذاری در حوزهٔ مسائل و صنایع فرهنگی
	دستیابی به اهداف مستلزم استفاده از مجموعه‌ای از توانایی‌ها، از جمله رسانه‌ها و ارتباطات، اقدام‌های اطلاعاتی و فعالیت‌های شناختی می‌باشد.
	پیشبرد منافع ملی با استفاده از روش‌های ارتباطی به‌منظور اثرگذاری بر نگرش‌ها و رفتارهای مردم

نتایج حاصل در قالب یک پرسشنامه به صاحب‌نظران ارائه گردید که نتیجه آن در جدول شماره (۵) آورده شده است.

جدول شماره (۵) پرسشنامه

گزاره	درصد موافقت با گزاره			
	بسیار پایین	پایین	نظری ندارم	بالا
۱	۰	۶۳	۰	۳۴٫۴
۲	۰	۲۲٫۶	۱۶٫۱	۴۵٫۲
۳	۰	۹٫۳	۳٫۱	۵۶٫۳
۴	۱۵٫۶	۲۱٫۹	۳٫۱	۵۰٫۰
۵	۹٫۴	۱۲٫۵	۱۲٫۵	۵۳٫۱
۶	۱۲٫۵	۴۰٫۶	۱۸٫۱	۲۸٫۱
۷	۳٫۱	۱۲٫۵	۹٫۴	۶۲٫۵
۸	۳٫۱	۳۴٫۴	۱۲٫۵	۵۰٫۰
۹	۳٫۱	۳٫۱	۹٫۴	۵۹٫۴
۱۰	۶٫۳	۹٫۴	۹٫۴	۴۶٫۹
۱۱	۶٫۳	۱۵٫۶	۱۲٫۵	۴۶٫۹
۱۲	۳٫۱	۶٫۳	۱۲٫۵	۵۳٫۱

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، ۹۴ درصد پاسخ‌دهندگان معتقدند «نظم جهانی» در حال تغییر و دگرگونی است؛ همچنین، از یکسو، از نظر ۸۷ درصد پاسخ‌دهندگان یک «فضای جهانی ویژه» در حال شکل‌گیری است که مردم در آن به تبادل ایده‌ها و اندیشه‌های خود می‌پردازند و از سوی دیگر، حدود ۶۰ درصد آنها معتقدند «محتویات فضای سایبر» در حال تبدیل شدن به محتویاتی از نوع اندیشه، فکر و شناخت است. با اینکه حدود ۷۵ درصد پاسخ‌دهندگان اعتقاد دارند به واسطه گسترش فضای سایبر و ارتباطات و اطلاعات، یک «فضای شناخت مشترک جهانی» در حال شکل‌گیری است، اما حدود ۶۰ درصد آنها با این موضوع که نوعی «جهان‌بینی منسجم جهانی و فرهنگ شهروندی جهانی» و در نتیجه نوعی «همگرایی در فکر و اندیشه در سطح جهان» در حال شکل‌گیری است، موافق هستند و ۵۳ درصد آنها مخالف آن هستند که فضایی در حال شکل‌گیری است که مردم جهان در آن به یک «شناخت و معرفت مشترک» خواهند رسید. حدود ۸۰ درصد پاسخ‌دهندگان بر این باورند که جنگ‌ها و صحنه‌های نبرد به سمت «جنگ ایده‌ها و روایت‌ها» در حال تغییر شکل هستند و حدود ۷۲ درصد آنها «ادراک و شناخت مردم» را محور اصلی رقابت‌ها و جنگ‌های حال و آینده می‌دانند.

۴. نتیجه‌گیری

۴-۱. جمع‌بندی

این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال بود که آیا جهت‌گیری تغییر و تحولات فضای سایبر به سمت ایجاد یک فضای جدید است؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که یک فضای جهانی خاص در حال شکل‌گیری است که مردم جهان ایده‌ها و اندیشه‌های خود را به اشتراک می‌گذارند و به نظر می‌رسد فضای سایبر که خود در حال تبدیل شدن به فضایی با محتوایی از جنس اندیشه و شناخت می‌باشد، بستری است

برای ایجاد این فضای جهانی که شاید بتوان آن را فضای همگراکننده جهانی فکر و اندیشه نام نهاد. البته در اینکه تمام مردم جهان در این فضا به یک شناخت و معرفت مشترک منسجم برسند، تردید وجود دارد، اما به نظر می‌رسد این واقعیت که فضای یادشده به صحنه‌ای برای نبرد ایده‌ها و روایت‌ها تبدیل گردیده و ادراک و شناخت مردم سوژه و قلمرو اصلی جنگ‌های امروز و آینده خواهد بود، توافق خوبی وجود دارد. به بیان ساده، به نظر می‌رسد رقابت جهانی امروز و آینده بر سر تسلط بر «فضای شناخت» خواهد بود و هر گروهی که بتواند بیشترین محتوا را در آن تولید کند، بر آن مسلط خواهد شد.

۲-۴. پیشنهادها

(۱) نبرد در فضای شناخت نیازمند وجود یک «نیروی قدس» از جنس اندیشه و فرهنگ است. عبارت «نیروی قدس» یک «استعاره» است که ویژگی‌های نیروی قدس فعلی را در ذهن تداعی می‌کند؛ نیرویی به دور از پیرایه‌ها و دیوان‌سالاری‌های دست و پاگیر امروزی.

(۲) تمامی دستگاه‌ها و نهادهای فرهنگی و محتواساز بایستی در قالب مفهوم این نیرو سازماندهی و تحت یک فرماندهی واحد عمل نمایند.

(۳) «دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی» سند مفهوم نیروی قدس اندیشه‌ای فرهنگی را به‌منظور تعیین جهت‌گیری‌های آینده تدوین نماید.

منابع و یادداشت‌ها

۱. تافلر، الوین، (۱۳۸۴)، *موج سوم*، ترجمه شهیندخت خوارزمی، تهران، نشر علم.
 ۲. بیانات مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای، قابل دسترس در آدرس اینترنتی: www.khamenei.ir
 ۳. سرمد، زهره، عباس بازرگان و الهه حجازی، (۱۳۸۰)، *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*. انتشارات سخن، چاپ دوم، تهران.
 ۴. طاهر اسمعیلی، سهیلا، (۱۳۹۲)، شکاف نسلی و تأثیر آن بر روابط اولیا مدرسه و دانش‌آموزان دختر، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار*.
 ۵. کاستلز، امانوئل، (۱۳۸۰)، *عصر اطلاعات*، ترجمه حسن چاووشیان، تهران، طرح نو.
 ۶. محمدی‌نجم، حسین، (۱۳۹۴)، *جنگ شناختی بعد پنجم جنگ*، انتشارات مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، تهران.
1. Arquilla, John & David Ronfeldt, (2003), *The Emergence of Noopolitik: Toward An American Information Strategy*.
 2. Arquilla, John & Ronfeldt, David, (2001), *Networks and Netwars: The Future of Terror, Crime, and Militancy*, Santa Monica, CA: RAND.
 3. Arquilla, John & Ronfeldt, David, (1996), *The Advent of Netwar*, Santa Monica, Calif.: RAND, MR-789-OSD.
 4. Arquilla, John & Ronfeldt, David, (1996), *Information, Power & Grand Strategy: In Athena's Camp*, in Stuart J. D. Schwartzstein, ed, *The Information Revolution and National Security: Dimensions and Directions*, Washington, D.C: Center for International and Strategic Studies.
 5. Arquilla, John & Ronfeldt, David, (1998), *Preparing for Information-Age Conflict, Part I: Conceptual and Organizational Dimensions*, *Information, Communication, and Society*, Vol. 1, No. 1, Spring.
 6. Arquilla, John & Ronfeldt, David, eds, (1997), *In Athena's Camp: Preparing for Conflict in the Information Age*, Santa Monica, Calif.: RAND, MR-880-OSD/RC.
 7. Arquilla, John, (1996), *Between a Rock and a Hard-Drive: Export Controls on Supercomputers*, *The Nonproliferation Review*, Vol. 3, No. 2, Winter.
 8. Arquilla, John, *Ethics & Information Warfare*, in Zalmay Khalilzad & John White, eds., *Strategic Appraisal: The Changing Role of Information in Warfare*, Santa Monica, Calif: RAND, forthcoming.

9. Arquilla, John & Solomon M. Karmel, (Autumn 1997), Welcome to the Revolution in Chinese Military Affairs, *Defense Analysis*, Vol. 13, No. 3.
10. Boulding, Elise,(1988), Building a Global Civic Culture: Education for a Interdependent World, New York: Teachers College Press, Teachers College, Columbia University.
11. Boulding, Elise, (1993), Ethnicity and New Constitutive Orders, in Jeremy Brecher, John Brown Childs, and Jill Cutler, eds, *Global Visions: Beyond the New World Order*, Boston, Mass: South End Press.
12. Command and Control, Joint Operating Concept, US Joint Forces Command, DoD 2005
13. Keohane, Robert & Joseph Nye, (1972), *Transnational Relations & World Politics*, Cambridge, Mass: Harvard University Press.
14. Cobb, Jennifer, (1998), A Globe, Clothing Itself with a Brain, *Wired*, 3.06, June.
15. Cobb, Jennifer, (1995), *Cybergrace: The Search for God in the Digital World*, New York: Crown Publishers.
16. Dertouzos, Michael, (1997), *What Will Be: How the New World of Information Will Change Our Lives*, San Francisco: HarperCollins.
17. Irregular Warfare (IW) Joint Operating Concept, US Joint Forces Command, DoD 2007
18. Keohane, Robert & Joseph Nye, (1977), *Power and Interdependence: World Politics in Transition*, Little, Brown and Company, Boston.
19. Keohane, Robert & Joseph Nye, (September/October 1988), Power & Interdependence in the Information Age, *Foreign Affairs*, Vol. 77, No. 5.
20. Kissinger, Henry, (1994), *Diplomacy*, New York: Simon & Schuster.
21. McLuhan, Marshall, Fiore, Quentin, Agel, Jerome, (1967), *The Medium Is the Massage: An Inventory of Effects*, New York: Random House.
22. Morgenthau, Hans, (1948), *Politics Among Nations*, New York: Alfred A.Knopf.
23. Nye, Joseph, (Spring 1976), Independence and Interdependence, *Foreign Policy*, No. 22.
24. Nye, Joseph, (1990), *Bound to Lead: The Changing Nature of American Power*, New York: Basic Books.
25. Nye, Joseph & William A.Owens, (March/April 1996), America's Information Edge, *Foreign Affairs*, Vol. 75, No. 2.
26. Szafranski, Richard, (November 1994), Neo-Cortical Warfare? The Acme of Skill, *MilitaryReview*.

27. Szafranski, Richard, (Spring 1995), A Theory of Information Warfare: Preparing for 2020, *Airpower Journal*.
28. Willis H, (1998), *The Cyber-Posture of the National Information Infrastructure*, Santa Monica, Calif: RAND, MR-976-OSTP.
29. CCJO, (2009), *Capstone Concept for joint operations: version3.0*, United States Joint Forces Command.
30. IWJOC, (2007), *Regular Warfare Joint Operating Concept*, US Joint Forces Command.
31. MCOJOC, (2004), *Major Combat Operations: Joint Operating Concept*, US Joint Forces Command.
32. *Stability Operations Joint Operating Concept*, US Joint Forces Command, DoD 2004.
33. Stein, George, (Spring 1995), *Information Warfare*, *Airpower Journal*.
34. *Strategic Communication Joint Integrating Concept*, US Joint Forces Command, DoD 2009.
35. *Strategic Deterrence Joint Operating Concept*, US Joint Forces Command, DoD 2004.
36. Teilhard de Chardin, Pierre, (1961), *The Making of a Mind: Letters of a Soldier-Priest, 1914–1919*, New York: Harper and Row.
37. Teilhard de Chardin, Pierre, (1964), *The Future of Man*, Translated from the French [1959] by Norman Denny, New York: Harper & Row.
38. Teilhard de Chardin, Pierre, (1965), *The Phenomenon of Man*, With an Introduction by Julian Huxley, Translated from the French [1955] by Bernard Wall, New York: Harper & Row.
39. Toffler, Alvin, . Heidi Toffler, (1993), *War and Anti-War: Survival at the Dawn of the Twenty-first Century*”, Boston: Little, Brown and Company.
40. Toffler, Alvin, Heidi Toffler, (1997), *The New Intangibles*, in John Arquilla and David Ronfeldt, eds, *In Athena’s Camp: Preparing for Conflict in the Information Age*, Santa Monica, Calif: RAND, MR-880-OSD/RC.